

فاصله بین ولادت حضرت معصومه (س) و ولادت امام رضا (ع) با عنوان دهه کرامت نام گذاری شده که مقارن است با جشن ها و آیین های شادباش در سراسر کشور به یمن قدوم مولید نورانی این دهه. اینکه چرا ایام ولادت امام هشتم شیعیان (ع) کرامت نام گرفته مسئله دیگری است. کرامت به معنای بزرگواری است و اصل کرامت در روایات

انمه معصوم (ع) ملاک دینداری انسان ها شناخته می شود، آنچنان که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: بزرگواری مرد همان دین اوست. کرامت و بزرگواری حضرت رضا (ع) در مزین کردن ایران به وجود مبارکش، اصلی ترین دلیل این نام گذاری است چرا که حضور نورانی و مقدس آن حضرت، ایران را مرکز حقیقی تشیع و اسلام ناب قرار داد. ■

م رضوی که کرامات زیادی را دیده است

خدا جدا نکند

امام رضا (ع) را دارد. با وجودی که یکی از مجریان حاذق شهر است اما عهد زیبایی با امام خود بسته است اینکه به خاطر حضرت ثامن الحجج (ع) و به حرمت لباس خادمی که به تن دارد، بسیاری از اجراهایی را که احساس می کند در شأن ولی نعمتش نیست قبول نمی کند حتی اگر مبلغ بسیار خوبی به او پیشنهاد شود. تدین از چگونگی کسب افتخار خادمی و کراماتی که از امام مهربانی ها طی این سالها دیده است بر ایمان می گوید.

عنوان یک مجری یا بازیگر که مجریگری را دارای اصولی مغایر می دانسته علاقه اش سالها بعد اتفاقی می افتد که او ی قرار می دهد. «شهرام تدین» برهنگی آستان قدس رضوی و روشی یکی از مدارس منطقه و اسالی است که افتخار خادمی

بیمارستان که لباس خادمی و پرچم متبرک حضرت رضا (ع) را در دستان من دید متوجه موضوع شد و با هماهنگی با رئیس حراست اجازه داده شد تا برای عبادت به اتاق های مختلف برویم. البته رئیس حراست بیمارستان نیز همراه ما بودند و تمام بیماران و حتی پرستاران و پزشکان با دیدن پرچم سبز آقا به وجد آمده بودند و برخی نیز اشک از چشمانشان جاری شده بود تا اینکه به بخش ویژه نوزادان رسیدیم. در این بخش محیطی ایزوله وجود داشت و هشت نوزاد از چند روزه تا شش ماهه را در محفظه های شیشه ای نگهداری می کردند. زمانی که پرچم را در این محل دور می دادم متوجه نوزاد چند ماهه ای شدم که نسبت سر او به بدنش بسیار بزرگ تر بود و در محفظه ای شیشه ای با وصل بودن چند دستگاه زنده بود. زمانی که از بیماری او سؤال کردم رئیس بیمارستان اصطلاحات پزشکی

را به کار برد که خیلی متوجه آن ها نبودم تنها چیزی که به ذهنم رسید بر زبان آورد و گفتم «بیچاره مادر این نوزاد.» اما در جواب شنیدم مادرش موقع زایمان فوت کرده است و پدر بچه نیز خبری از او نمی گیرد. همین هنگام بود که حس دلسوزی خاصی به من دست داد و تصمیم گرفتم برای طفل معصوم کاری کنم. بنابراین پرچم متبرک حضرت را بابت تبرک و توسل بر روی محفظه شیشه ای کشیدم و از مداحی که همراه ما بود خواستم تا چند بیت برای شفای کودک بخواند. ■



سؤال می کند این شخص کیست و متوجه می شود پزشک و مسئول بخش است. بنابراین با روی خوش با پزشک صحبت می کند اما پزشک گوشش بدکار نبوده و با گفتن اینکه پرچم آلودگی دارد و چرا آن را به بخش ایزوله آورده اید، آن ها را از بخش بیرون می کند.

تدین که از بیمارستان خارج و به محل اقامت خود باز می گردد فکرش مشغول می شود که نکند با این کار سلامت نوزادان را به خطر انداخته باشد. از طرف دیگر نیز باید قبل از این اقدام با آستان قدس رضوی هماهنگی انجام می داده و حال باید بعد از بازگشت در این رابطه توضیح دهد. این افکار آن قدر اذیتش می کند که دیگر نمی تواند همراه با سایر گروه به دیدار خانواده شهید برود و با سر درد به خواب می رود.

روز بعد برای برگزاری مراسم ازدواج به محل مورد نظر می رود و با دیدن دوباره نمای بیمارستان ذهنش به سمت نوزادان دیروز می رود. مراسم که تمام می شود یکی از محلی های آمد و می گوید مردی با حالت آشفتگی در جلو در منتظر اوست و پزشک مسئول بخش نوزادان را می بیند که به پهنای صورت اشک می ریزد و قدرت و اختیاری برای صحبت ندارد فقط با اشاره به تدین می گوید که به دنبال او به داخل بیمارستان برود. تدین که حال آشفتگی دکتر را می بیند متوجه نمی شود چگونه هر اسان به دنبال پزشک تا بخش ایزوله نوزادان می رود و بالای سر محفظه شیشه ای که طفل دیروزی بوده می ایستد. تنها با نگاهی که به داخل محفظه می کند می بیند نوزاد نیست، پاهایش سست می شود و با تصور اینکه طفل فوت کرده است بر روی زمین می نشیند اما دکتر داستان را این گونه برای او بازگو می کند: «دیروز بعد از رفتن شما از بیمارستان یک ساعتی نگذشته بود که پرستار بخش گفت علائم حیاتی کودک بر روی دستگاه تغییر کرده است. اول این حرف را باور نکردم تا اینکه خودم متوجه دستگاه شدم سپس آز مایشی نوشتم. نتایج آز مایش نشان از روند بهبودی نوزاد داشت اما باز هم باورم نشد و ساعت بعد دوباره تقاضای آز مایش دوباره دادم. جواب آز مایش بهبودی را نشان می داد هر کاری می کردم با علم پزشکی جور در نمی آمد برای همین امروز صبح دوباره آز مایش را برای بار سوم تکرار کردم ولی روند بهبودی به حدی بود که نوزاد را از محفظه شیشه ای خارج کردیم.»

تدین هنوز هم چهره پزشک، اشک ها و صدای بغض آلود او را به یاد دارد زمانی که به خاطر کار دیروزش عذر خواهی می کرد و تقاضا داشت تا آن ها با بازگشت به حرم از حضرت رضا (ع) از طرف او عذر خواهی کنند اما او فقط این صداها را می شنید و در دل حس دیگری داشت از اینکه لباس خادمی را پوشیده و رفتار دیروز دکتر به ولی نعمتش شک کرده است شرمسار بود بنابراین به پزشک مسئول گفت: خودت باید برای عذر خواهی راهی حرم شوی چون تو مقامت از من بالاتر است. من بابت شفا پرچم را روی محفظه انداختم اما دقایقی پیش که دیدم محفظه خالیست اولین چیزی که به ذهنم رسید این بود که نوزاد فوت شده است. من که به این پرچم اعتقاد داشتم اما تو اعتقادی نداشتی به همین دلیل هم خودت باید برای عذر خواهی به حرم مشرف شوی.

آبروداری حضرت

وی یکی دیگر از کرامات حضرت را مربوط به زندانی شدن یکی از بانوان آبرودار شهر بیان می کند و می گوید: «در ایام دهه کرامت برای اجرای برنامه به زندانی یکی از شهرهای اطراف مشهد رفته بودیم. به بانوان زندانی گفته می شود که قرار است این جشن برگزار شود. یکی از بانوان آبرودار با در نظر گرفتن اینکه ممکن است از مراسم عکس و فیلم گرفته شود و او در این عکس ها دیده شود تصمیم می گیرد در مراسم شرکت نکند اما یک باره به دلش می افتد تا با حضور در مراسم به امام رضا (ع) توسل کند. زمانی که مداح زیارت حضرت را زمزمه می کند دلش می شکند و زیر لب چند کلامی با امام رتوف (ع) درددل می کند «آقا خودت می دانی بی گناه هستم امنی توانم موضوع را ثابت کنم خودت ضامن من باش!» ظهور فردشاکلی به زندان می آید و رضایت می دهد. وقتی این بانو در مراسم دیگری که شب برای مردم برگزار می کردیم شرکت کرد موضوع را با ما در میان گذاشت چون بر ایمان باور نکردنی بود با امام جمعه و

رئیس نیروی انتظامی شهر صحبت کردیم، آن ها نیز گفتند که چند مرتبه برای جلب رضایت شاکی مراجعه کرده اند اما قبول نمی کند و برای آن ها نیز جای تعجب داشت.»

تدین در ادامه، اجرای ویژه برنامه پنجره فولاد به طور آنلاین و از رضوی تی وی از ابتدای اسفند سال گذشته تا آخر فروردین امسال را یکی از کارهای متفاوت خود می داند. او در این باره توضیح می دهد: «در این ویژه برنامه با بیش از ۶۰ بیمارستان کشور ارتباط مستقیم داشتیم و در این برنامه از قاب پنجره فولاد، دل بیماران را به حرم آقا گرم می زدیم به طوری که جزو یکی از پربیننده ترین برنامه ها شده بود.»

او که اجراهای مختلفی در شبکه های استانی، قرآن و... داشته هیچ کدام از آن ها مانند این برنامه برای او دلچسب نبوده است. تدین گله کوچکی دارد و می گوید زمانی که این برنامه گل کرد مجری تلو یزونی برای آن انتخاب شد این در صورتی بود که اجرای ۶۰ قسمت آن را من به عهده داشتم.

بهترین خاطره از کار اجراء حرم رضوی را مربوط به جشن روز شکوفه هایی می داند که پسرش به کلاس اول رفته است: «وقتی در میان جمعیت، پسر را می دیدم که چگونگی با شور و شوق به من می نگرد و از طرفی او را در لباس مدرسه می دیدم بسیار برایم خوشحال کننده بود، البته سال های قبل هم که این برنامه را اجرا می کردم از آن بسیار لذت می بردم اما این بار به خاطر فرزندم حس و حال والدین را بیشتر درک می کردم.»

زیارت با کیفیت

اتاقش در مجاورت گنبد حرم حضرت رضا (ع) قرار دارد به طوری که با نگاه کردن از پنجره اتاقش می تواند گنبد طلایی را که بسیاری از مردم در شهرها و روستاهای مختلف کشور آرزوی دیدن آن را دارند از نزدیک و فاصله چند متری ببیند. می گوید: «با وجودی که چندین سال پیش گنبد را از نزدیک بغل کرده ام اما این باور را ندارم که برای زیارت باید حتما به ضریح دست زد و نباید بعد مسافت را در نظر گرفت، ممکن است شما در خانه خود باشید و دلتان بشکند و توسلی به حضرت ثامن الحجج (ع) داشته باشید و همان موقع حلقه وصلی ایجاد شود قطعا سلام شما را امام مهربانی ها از دورترین نقطه هم می شنود.»

تدین اعتقاد دارد زیارت باید با کیفیت باشد: «تصور اینکه اگر امروز به حرم آمده ام و دستم به ضریح نرسیده پس زیارت نکرده ام درست نیست. حضرت رضا (ع) مهربان تر از آن است که زائران و مجاورانی را که به هزار امید برای زیارت آمده اند دست خالی بازگرداند اگر در این بین عده ای نیز شاکی هستند باید بدانند حتما خیر و صلاحی دارد که از آن بی خبر هستند.» صحبت که از طلبیده شدن می شود بیان می کند: «به نظر من توسط حضرت برای زیارت طلبیده می شوم به عنوان مثال اگر مهمانی به منزل شما بیاید و زمانی که می رود شما این احساس را داشته باشید در منزل شما به او خوش گذشته است برای بار دوم نیز از او دعوت می کنید اما اگر حس کنید در منزل شما احساس راحتی نداشته است میلی برای دعوت دوم ندارید.» بکرترین مکان برای خلوت کردن و حشر زدن با حضرت رضا (ع) را پنجره فولاد می داند و می گوید این مکان برایش از کودکی جلوه دیگری داشته است: «زمانی که در کنار پنجره فولاد قرار دارم حس و حال متفاوتی دارم برای همین هم وقتی افراد مختلف با لباس خادمی من را می بینند و التماس دعا می گویند قول می دهم تا به نیابت از آن ها دو رکعت نماز بخوانم و این نمازها را در همین محل به نیت گره گشایی کار آن ها می خوانم به طوری که هر زمان در کنار پنجره فولاد هستم چندین نماز دو رکعتی می خوانم و این موضوع حس و حال خودم را نیز بهتر می کند.»

تدین یاد آور می شود: «شاید ما مشهدی ها آن طور که باید قدر ولی نعمتمان را ندانیم اما مهربانی آقا همیشه و در همه حال شامل حال ما می شود حتی اگر خودمان متوجه این موضوع نشویم، برکت وجود آقا در شهر مشهد برای مجاورانش با نعمت های بسیاری همراه است.»

وقتی از او درباره کلام پایانی سؤال می کنیم فقط به خواندن یک بیت بسنده می کند: «از آستان رضایم خدا جدا نکند، من و جدایی از این آستان خدا نکند.» ■